

سز دگر دل چو پروانه بسوزد ز آتش غیرت که شمع بزم اغیار است محبوب دلارامش
 قرار از من چنان برده است ذوق دانه خالش که مرغ دل نیاساید مگر در حلقه دامش
 نکامت گر چه شیرین مینماید طعم عشق اول مشرغره ز آغازش که باشد تلخ انجامش
 حدیث از جام گوساقی و حرف غصه راطی کن که از جم نیست باقی در جهان جز قصه جامش
 خوشا فصل بهار و وصل یار و باده گلگون غنیمت بشمار این فرصت که معدود است ایامش

عجب نبود بدیعا گر بود کم نعمت دانا
 که انعام جهان دون بود مخصوص انعامش

❁ (قطعه) ❁

ای پسر در جهان مباش دوکس تا بجان باشی از جهان ایمن
 اولین دستیار بدعت نو آخرین پای بند رسم کهن
 ورشده زین دوکس یکی کردی پیرهن را بدست خویش کفن
 این سخن نیز گفتن نیست که مرد گر کفن خواست جای پیرهن

یا کله دار مه شود بسریار
 یا دهد در ره کله سروتن وحید

❁ (تقریظ) ❁

بر فرهنگ فارسی نظام تالیف داعی الاسلام

نکارنده این سطور را مطالعه جانداول فرهنگ نظام تالیف دانشمند زمانه
 آقای سید محمد علی داعی الاسلام معلم ادبیات فارسی در کلیه دکن ادام الله ایام
 افاضاته نصیب شد. و بحمد الله پس از سالی چند که آرزوی انجام این تالیف منیف را
 داشتم بخت یاری کرد و گذشت که بدین دیدار کامیاب شدم و هر چه

از مزایای این کتاب بنویسم باز گوناگونی آمده ام کسانی که در فرهنگهای زبان پارسی تتبع کرده اند دانند که تاکنون کتابی نبود که عامه پارسی زبانان را بکار آید و خواص را نیز مشکلی گشاید عموماً مؤلفین کتب لغت در ضبط متروکات و مهبجورات زبان فارسی کوشیده اند و هرچه خود دانسته اند جزو بدیهیات شمرده و ترک اولی کرده اند و آنچه نیز در کتب خویش ضبط آورده اند اغلب کلماتیست که در صحت آن یاشک و یا یقین حاصلست که لغات معمول و ساخته این و آنست و بهمین جهت کتابی می بایست که در آن رطب ریابس را از هم جدا کنند و درست را از نادرست باز شناسند و جامع تمام الفاظی باشد که در مشافهات و مکاتبات زبان پارسی بکارست چه ائمه لغت امروز خواننده و جوینده را باید بالمره نادان فرض کنند و چنین انکارند که منکر بدیهیات و جاهل و اضحات نیز هست که بکتاب ایشان نیازمند تواند شد و آن کتاب باید برگذارنده تمام این حوائج باشد و چون کف گشاده ای بود که هر خواهنده و در یوزه گری را از خویش نومید نراند و البته چنین کاری از هر نو خاسته و از ره رسیده ای ساخته نیست و دانشمندی را باید که احاطه تام بر تمام مقاسیم زبان داشته باشد سپاس یزدان داناراه این ره پای کوشش و پایداری مؤلف محترم این کتاب که از غنایم دورانست پوئیده شد و ازین پس کتابی در میان پارسی زبانان خواهد بود که چون خوان گشاده ایست مرتهی دستان و مر توانگران را و هر کس بفراخور دانش خویش از آن کام تواند یافت من بنده هرچه در محاسن این کتاب نکارم فریضه ای را که در سپاس از مؤلف دانشوران بر ذمه دارم بتمامت نگزارده ام و هر کس بجز وی از آن مرور کند و بر یکی از صحایف آن دیده بگشاید خود گواهی خواهد بود که چنین کاری بزرگ جز از بزرگان دانش ساخته نیست و چون خود نیز سالیان دراز درین راه دشوار گام زده ام دانم که چنین کاری جز بدایمردی تمام و سالها اندیشه و تتبع و

استقصا و تصفیح کتب و تفحص از زبان مردم دور و نزدیک کسی را دست ندهد و گذشته ازین جویندگی‌ها و پویندگی‌های چندساله حافظه‌ای تواناورائی صائب و نظری رسا لازمست که گردآمده هزار و سیصد سال زبان فارسی را بیک جای بیاکند و بزبانی نزدیک بفهم دانا و نادان بیان آورد و این همه در کسی گردد نتواند شد جز آنکه از نوادر دیار خویش باشد و مخصوصاً التزامی که مؤلف محترم کتاب بر خویش هموار کرده است تا هر لغتی را با شاهدی از نثر فارسی و آنهم از محاورات زبان توأم سازد کار را دشوارتر ساخته است ولی نیک بختی را که مؤلف توانای این کتاب از جمله این شواهد و مضایق نیکو برآمده است و مشکلی نیست که بروی آسان نگشته باشد دیگر از مزایای آشکار این کتاب آنست که تا کنون اکثریت لغویون ایران لغات عرب معمول در زبان پارسی را بعمد از کتب خویش نفی کرده‌اند و حال آنکه این زبان شیوای ما که بجزرات می‌توان گفت از شیوا ترین و بلیغ ترین زبانهای عالمست از روز بیدایش خویش با بعضی از لغات عرب سرشته شده و چنان بهم آمیخته است که هرگز جدائی بمیان نتوان آورد لذا ضبط مستعملات زبان عرب در فارسی از جمله فرایض نخستین بشمار تواند آمد و هر کتابی که از این نیمه زبان مائهی باشد در حکم بنائی ناقص و شالوده‌ای ناسازست و از طرف دیگر پارسی زبانان را بقوانین عرب نتوان باز گذاشت چه گذشته از آنکه زبان عربی قلزمیست بی‌کران و گردابی بی‌پایان حدمستعملات زبان عرب را در پارسی نیز باید نکهدها داشت و بیش ازین راروانتوان شمرد و اگر در کتب لغت فارسی متداولات زبان عرب را ضبط نکنند جویندگان و پژوهندگان همواره در تیه گمراهی افتند و هرگز ندانند که تا کجا باز توان ایستاد و انگهی تمام سمت زبان مادر اینست که کلمات مرکب بسازند و اغلب آن کلمات ترکیبی است از یک لفظ پارسی و یک لفظ تازی که جامع معنی

هر دو لفظست و اندر خور است که در کتب ضبط آید و چون این کتاب جامع این الفاظ نیز هست در برداشتمندان زمانه مقامی دیگر خواهد داشت و نگارنده این سطور را ازین پس آرزویی دیگر نخواهد بود جز آنکه زود تر سایر مجلدات این تالیف منیف زیور افزای بساط دانش گستران ایران شود بمنه و توفیقه

طهران - آبانماه ۱۳۰۸

سعید نفیسی

بقلم حضرت الله کاسمی

(ادبیات خارجی)

بقیه شرح حال الفردوسه

(بیک ستاره)

بعد از طوفان (۱)

ای کوکب رنگ پریده شب و ای بیک دور نشینی که پیشانی روشن و سفیدت از خلال ابر های تیره و سیاه خاوران میدرخشد از قصر نیلگون آسمانی خویش در زمین بچه میگیری ؟
طوفان گذشت و باد ها آرام گرفتند جنگلی که از وزش تند باد ها میفرید اکنون از قطرات بارانی که روی برگ درختان خود نگاهداشته بر فراز خس و خاشاک سرشک میریزد !
پروانه طلائی رنگ در گردش آرام خود از چمن زارهای خوش رنگ و بو میگردد !